

فوکو و ادبیات داستانی: کتاب تجربه، تیموتی الیری
ترجمه فرهاد اکبرزاده، نشر بان، ۱۳۹۶.

زینب صابرپور^۱

۱. درباره کتاب:

کتاب حاضر ترجمه‌ای است از کتاب نوشته تیموتی اولیری. اولیری استاد فلسفه دانشگاه سیدنی است و تاکنون چهار کتاب در زمینه اندیشه‌های فوکو نوشته است: فوکو و هنر اخلاق (۲۰۰۶)، در آمدی بر فلسفه فوکو (۲۰۱۰)، فوکو و فلسفه (۲۰۱۰)، فوکو و ادبیات داستانی (۲۰۱۱)، در سال ۲۰۱۳ نیز وی ویراستار علمی مجموعه مقالاتی درباره فوکو با نام *A Companion to Foucault* بوده است.

هدف نویسنده در کتاب فوکو و ادبیات داستانی، بازخوانی اندیشه فوکو در باب ادبیات است. فوکو امر برساخته و خیالی را که در قالب ادبیات تجسم می‌یابد در برابر جمود و رخدادگی تاریخ قرار می‌دهد و در آن امکانی دیگرگونه برای تغییر در زندگی حال فرد و جامعه می‌بیند. اولیری پرسش اصلی خود را این‌گونه بیان کرده است:

آیا اصلاً معنا دارد که به یک رمان یا شعر یا نمایش همچون چیزی بیندیشیم که به ما کمک می‌کند که به اکنون و آینده‌مان از نو شکل دهیم؟ آیا آنها واقعا می‌توانند ما را وادار یا ترغیب به دگرگونه اندیشیدن کنند؟ و اگر می‌توانند چگونه این کار را می‌کنند؟ قصد من این است که در این کتاب به این پرسش‌ها با اندیشیدن به ادبایت در رابطه با تجربه و اخلاق پاسخ دهم (۱۶-۱۷).

از این منظر، نویسنده به تعبیر فوکو از کتاب تجربه در برابر کتاب حقیقت و کتاب اثبات می‌رسد. کتاب تجربه «مثل نوعی تجربه مرزی عمل می‌کند؛ تجربه‌ای که ما را از خویش می‌کند و دیگر به حال اول باز نمی‌گرداند» (همان: ۱۷ و ۱۳۳) و از این رهگذر به پرسش‌های فوکو در باب دانش، قدرت و آگاهی می‌رسد. فوکو خود مکرراً اشاره کرده است که آثار بکت، موریس بلانشو، بورخس و برخی نویسندگان دیگر برای او به منزله تجربه مرزی بوده و اندیشه و باور او را به پرسش کشیده‌اند. به این ترتیب، جمله کلیشه‌ای «ادبیات ما را متحول می‌کند» در آثار فوکو (به خصوص در تاریخ جنسیت) و در این کتاب به بوتۀ نقد گذاشته می‌شود و از دل آن نوعی از اخلاقیات ادبیات متولد می‌گردد.

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس .

تحلیل‌های فوکو از ادبیات (که اغلب آنها را در دهه شصت نوشته) کمتر مورد توجه منتقدان قرار گرفته است. در فصل سوم این کتاب، اولیری تلاش می‌کند تا حدی این کاستی را جبران کند؛ هرچند خود او هم بیشتر به آثار متأخر فوکو توجه دارد. در این فصل با عنوان «روی‌گردانی فوکو از ادبیات» اولیری به موضوع تعامل سوژه و ادبیات یا متن خلاق و تأثیر متن بر دگرگونی سوژه می‌پردازد و همان‌طور که در فصل پیشین آن با بررسی اشعار شیموس هینی بر قدرت آزادی‌بخش شعر تأکید کرده بود به این نتیجه می‌رسد که «قدرت شعر برای مداخله در جهان روزمره، آن را به تخصم با هرگونه رژیم سیاسی» (همان: ۷۳) می‌کشاند.

این کتاب، علاوه بر اینکه گزارش و تبیینی از آراء فوکو در باب هنر، ادبیات و امر خلاق به خواننده می‌دهد، آثار تعدادی از نویسندگان و شاعران ایرلندی را نیز از این منظر تحلیل می‌کند. در این میان برخی نام‌ها، چون جیمز جویس (فصل ۶)، ساموئل بکت و جان‌اتان سوئیفت (فصل ۷) برای خواننده ایرانی آشناست و برخی نیز مثل شیموس هینی شاعر (فصل ۲) و برایان فریل نمایش‌نامه‌نویس (فصل ۴) ناآشنا. آنچه در تحلیل آثار این نویسندگان، که تجربه مرزی خود اولیری را شکل داده‌اند، مشترک است، نوعی نگاه اخلاقی است که امکان دگرگونی خواننده را در مواجهه با این آثار می‌جوید.

۲. درباره ترجمه کتاب:

در چاپ ترجمه فارسی، مشخصات ظاهری کتاب (طرح جلد، صحافی، قطع، نوع و اندازه قلم، صفحه‌آرایی) قابل قبول و خوب است هرچند بهتر بود به جای فهرست اجمالی (عنوان فصل‌ها) با توجه به تعدد بخش‌ها در هر فصل، فهرست تفصیلی در ابتدای کتاب درج می‌شد. از نظر شیوه ارجاع و درج معادل‌های لاتین و نیز رعایت قوانین نگارشی زبان فارسی نیز کتاب دقیق و پاکیزه است (البته ارجاع‌ها عیناً از نسخه انگلیسی به متن فارسی منتقل شده‌اند) همچنین نمایه درج‌شده در انتهای کتاب، کار مراجعه به آن را آسان می‌کند.

یکی از ویژگی‌های کتاب که همت مترجم را نشان می‌دهد این است که در اشاره به آثار ادبی، هر جا ترجمه‌ای از آن آثار به فارسی در دست بوده، به ترجمه‌ها در پاورقی اشاره شده است؛ برای مثال در صفحه ۱۰۱، نویسنده به کتاب فوکو در مورد پیر ریویبر اشاره کرده و مترجم در پاورقی ذکر کرده است که: «این کتاب با عنوان بررسی پرونده یک قتل، با ترجمه مرتضی کلانتریان و به همت نشر آگه منتشر شده است».

از نظر ویرایش و نگارش فارسی، اغلاط املایی اندکی در متن مشاهده می‌شود؛ از جمله «نوارهای ضبط شده» در صفحه ۲۴۳. اصرار مترجم (یا ویراستار) بر جدانویسی هم به شکل‌های عجیب نوشتاری واژه‌های آشنا منجر شده که در تمام کتاب دیده می‌شود؛ برای نمونه «آینده‌ی مان» در صفحه ۱۶ «خاص‌شان»؛ در صفحه ۷۹ «بغل‌اش» و «پشت‌اش» در صفحه ۲۱۶.

از منظر ترجمه، مترجم که کتاب‌های بسیاری در حوزه فلسفه قاره‌ای ترجمه کرده است، تا حد زیادی به متن اصلی وفادار بوده و بدفهمی یا کژفهمی چندانی نسبت به متن اصلی در متن ترجمه مشاهده نمی‌شود. با توجه به انبوه

ترجمه‌های ناقص و نادرست از متون نظری به خصوص در حوزه اندیشه معاصر، همین ویژگی می‌تواند این کتاب را در میان همگان خود برجسته سازد با این حال، متن فارسی کتاب گاهی دشوار و بدخوان می‌شود و رنگ و بوی ترجمه و گریه‌برداری از نحو زبان مبدأ به خود می‌گیرد؛ به عنوان نمونه

- «خوانش دقیق برخی آثار هینی می‌تواند به ما کمک کند که ببینیم فلسفه ادبیات و هنر تا چه حد می‌ایستد تا از شعر گفتن بیاموزد» (همان: ۴۹)؛
- «فوکو در این زمان، بیشتر خود بخشی از نظریه‌پردازی شدید نوشتار بود که در ۱۹۶۰ صورت می‌پذیرفت» (همان: ۷۹)؛
- «زبان ... وارد آن حاکمیت تنهایی می‌شود که از آن، در وضعیت جداشده‌ی خود، تنها به عنوان ادبیات بیرون می‌آید» (همان: ۹۴)؛
- «بکت این کار را با تطابق سرسختی خواننده با مقاومت سرسختانه خودش برسر درگیر شدن در فروپاشی آزمون‌گرانه شخصیت‌های داستانی‌اش می‌کند» (همان: ۱۵۴)؛
- «این ایده که این برهم‌کنش باید با مراقبت منش‌نمایی شود، اشاره مهمی به بعد اخلاقی دارد» (همان: ۲۲۸) که ترجمه جمله زیر است:

The idea that this interaction should be characterized by care provides an important hint about its ethical dimension (p.142).

که ترجمه روان‌تر (در عین حال دقیق) آن می‌توانست این باشد: «ویژگی‌های این تعامل باید با دقت مشخص شود و این امر اشاره مهمی به بعد اخلاقی آن دارد».

جدا از این مشکلات زبانی، در ترجمه برخی اصطلاحات کلیدی نیز در کتاب دقت و تلاش کافی صورت نگرفته است. از جمله، واژه *fiction* در عنوان کتاب به «ادبیات داستانی» برگردانده شده که با توجه به محتوای کتاب، ترجمه دقیقی نیست. مترجم کتاب، خود در مقدمه مختصری که بر ترجمه فارسی نوشته به دشواری ترجمه این واژه و خاستگاه ریشه‌شناختی آن و رویکرد اولیری به این واژه اشاره کرده که همگی گویای عدم دقت این برابرنهاد هستند. به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن معنای واژه *fiction* در زبان انگلیسی و به خصوص در حوزه ادبیات و نیز با توجه به اینکه نویسنده این کتاب (و به طریق اولی، میشل فوکو) این واژه را برای اشاره به امر خیالی در مقابل واقع، امر برساخته، نوعی امکان‌شدن که داغ و سنگینی گذشته و تاریخ را بر خود ندارد به کار برده است، ترجمه آن به «ادبیات» رواتر بود. چنان‌که در کتاب می‌بینیم، نویسنده به خوانش داستان اکتفا نکرده و اشعار شیموس هینی، نمایش‌های بکت و فریل را نیز تحلیل کرده است. فراتر از این، در مرور آراء فوکو درباره تجربه مرزی و امر برساخته به اجرای نمایش‌های بکت و حتی نقاشی ندیمگان و لاسکز به عنوان نمونه‌های *fiction* اشاره کرده است.

یکی دیگر از خطاهای بسیار مهم مترجم، که در تمام کتاب تکرار شده، خطا در برگرداندن *limit* *experience* به «تجربه محدود» است. این اصطلاح و معادل فرانسه آن (*expérience limite*) که

از مفاهیم مهم و ایده مرکزی نویسنده در این کتاب بوده، به نوعی کنش یا تجربه اشاره دارد که از جهت شدت و تأثیر، به مرزهای هستی سوژه نزدیک می‌شود و سوژه را از خود جدا می‌کند؛ این اصطلاح باید به تجربه مرزی (یا تجربه حدی) ترجمه شود، اما چنان‌که گفته شد، مترجم آن را «تجربه محدود» ترجمه کرده که با معنای اصلی آن هم متباین و هم متضاد است.

از منظر ابعاد آموزشی، کتاب هیچ‌گونه کارایی آموزشی ندارد اما می‌تواند برای پژوهشگرانی که به فلسفه ادبیات یا آراء فوکو و کاربرت آنها در ادبیات علاقه‌مند هستند، آموزنده و روشنگر باشد.